

واکاوی مبانی حکمت صدرایی در سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره)

سیدحامد عنوانی^۱

وحیده فخار نوغانی^۲

سیدحسین سیدموسوی^۳

سیدمرتضی حسینی شاهرودی^۴

چکیده

منتشر شده درباره زندگی و شخصیت امام، به روش کتابخانه‌یی، نشان می‌دهد که التزام به مبانی حکمت صدرایی در شکلگیری و تثبیت سبک زندگی سیاسی ایشان نقشی بسیار چشمگیر داشته است. افزون بر این، با توجه به تشکیک در سه مرتبه «سبک زندگی سیاسی انسان کامل»، «سبک زندگی سیاسی رهبران الهی سبک‌پذیر از انسان کامل» و «سبک زندگی مردمی سبک‌پذیر از سبک زندگی سیاسی رهبران الهی»، امام در مقام شخصیتی تربیت‌یافته از حقیقت انسان کامل، با اصرار بر فراهم نمودن شرایط وصول مردم به سبک‌پذیری از انسان کامل، توانست توده‌های عظیمی از مردم را در راستای رسیدن به سبکی جدید از زندگی سیاسی متعالی، با خود همراه سازد.

سبک زندگی سیاسی، به شیوه خاص مواجهه با مهمترین وظایف ساحت زندگی سیاسی اطلاق میشود که در راستای نیل به اهداف سیاسی شکل میگیرد. با توجه به اهمیت نقش مبانی هستی‌شناختی در بینشهای سازنده سبک زندگی، تحلیل مبانی هستی‌شناسانه سبک زندگی سیاسی امام - بعنوان فردی صاحب سبک - ضرورت می‌یابد. بدین منظور در این مقاله میکوشیم تأثیر مبانی حکمت متعالیه در محورهای اصالت وجود، خیریت وجود، وحدت وجود و کثرت در مظاهر آن، بساطت وجود و جایگاه انسان کامل در مراتب هستی را بر سبک زندگی سیاسی امام خمینی بررسی نماییم. بررسی و تحلیل آثار

۱. دانش‌آموخته دکتری مبانی نظری اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ h_onvani@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛ fakhar@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ shmosavi@um.ac.ir

۴. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ shahrudi@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۲ نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15600874.1402.28.4.2.5

کلیدواژگان: هستی‌شناسی، سبک زندگی سیاسی، تشکیک در مظاهر وجود، سبک‌پذیری، انسان کامل، ولایت مطلقه فقیه، امام خمینی.

مقدمه و تبیین مسئله

«سبک زندگی» (life style) همانند دیگر مفاهیم دنیای مدرن، همچنان گفتمانی جدید در علوم انسانی محسوب می‌شود. موضوع سبک زندگی بدلیل گستره نفوذ تحلیلش درباره عقاید، عادات و انتخابهای مردم و نیز قدرت هنجارآفرینیش، اهمیت بسیاری یافته است (علاسوند، ۱۳۹۲: ۴۷). از نگاه مقام معظم رهبری، سبک زندگی بخش اصلی و نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). مطابق صورتبندیهای سبک زندگی است که شخص نحوه مواجهه با جهان را فرامیگیرد (Ansbacher, 1967: pp. 201-203). امروزه با تطور این مقوله، سبک زندگی در محدوده علمی خاص نمیگنجد و میتواند توسط رشته‌های مختلف علمی، کاربردهایی گوناگون داشته باشد و مورد استفاده همگان قرار گیرد (Ibid). در واقع کلیت سبک زندگی، برآیند سبک تمامی ساحت‌هایی است که هر فرد در طول زندگی با آنها مواجه می‌شود.

از طرفی، پیوند بین زندگی و سیاست تا بدانجاست که امروزه زندگی سیاسی، فی‌نفسه «غایت زندگی انسان» تلقی می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۶ و ۱۲)؛ بگونه‌یی که سعادت حقیقی در گرو توفیق در «زندگی سیاسی» است

(معافی، ۱۳۹۲: ۱۶). بهمین دلیل یکی از مهمترین ساحت‌های زندگی انسان، «ساحت زندگی سیاسی» است و بتبع آن از مهمترین ارکان و ابعاد سبک زندگی، «سبک زندگی سیاسی» محسوب می‌شود.

سبک زندگی در هر ساحتی از زندگی، محصول شیوه‌های خاص مواجهه با مهمترین وظایفی است که برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده حاصل از باورها، عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد (عنوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۷) بر همین اساس، سبک زندگی سیاسی نیز عبارتست از «شیوه خاص مواجهه با مهمترین وظایف ساحت زندگی سیاسی که بجهت نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثرپذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد» (همو، ۱۳۹۹: ۲۲۲). مطابق تعریف، زندگی سیاسی بمثابه متغیری وابسته، تحت‌تأثیر مجموعه‌یی از عوامل بینشی، عاطفی و شرایط محیطی همسو و در هم‌افزایی با یکدیگر تشکیل می‌شود (همانجا). مهمترین وظایف از برابند تعامل این سه عامل (بینش، عواطف، شرایط محیطی) پدیدار می‌شود تا شیوه خاص مواجهه با آن وظایف، سبک را تعیین و تثبیت می‌کند. ازاینرو یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی سیاسی، بینش سیاسی است که منعکس‌کننده ارزشهای هر فرد یا رویکردهای کلی افراد، نسبت به خود، دیگران و جهان هستی است (همو، ۱۳۹۶: ۹۳).

بینشهای زیربنایی سازنده سبک، خود محصول اصول و مبانی خاصی است که در زندگی افراد

صاحب سبک تجلی یافته است. با توجه به نقش
بیدیل مبانی حکمت صدرایی، بویژه در موضوع
هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در تبیین اصول اصلی
سبک زندگی سیاسی، بررسی این اصول در
زندگی افراد صاحب سبکی که زندگی سیاسی آنها
الگوی دیگران شده، بسیار ضروری است. بهمین
دلیل، «سبک زندگی سیاسی» - همچون سایر
ساختهای زندگی - هرچند در ابتدای امر ناظر به
«عینتهای زندگی سیاسی» و «بایدها و نبایدها
مطرح در آن» است، نه «علم به عینتهای زندگی
سیاسی»، اما حقانیت و کارآمدی منظومه فکری و
عملی امام خمینی و بتبع آن، پویایی و ماندگاری
سبک زندگی سیاسی ایشان، بدان دلیل است؛
بایدها و نبایدهای حکمت عملی، از جمله
سیاست، مبتنی بر زیربناهای نظری آن است و
مبانی معرفتی توجیه‌کننده و قوام‌بخش آن بایدها و
نبایدها هستند.

برغم گستردگی مبانی، این پژوهش درصدد
بررسی یکی از مبانی نظری سبک زندگی سیاسی
است و تبیین بازخورد تفصیلی تأثیر سایر مبانی در
جزئیات زندگی سیاسی میتواند خود سرفصل
موضوعاتی دیگر برای سایر پژوهشها باشد.

بیشک یکی از مهمترین مباحث مطرح در
حوزه سبک زندگی سیاسی، تحلیل زندگی سیاسی
اندیشمندان و رهبران جوامع است. یکی از
راهکارهای نوین برای یافتن منظومه فکری آن
افراد، تحلیل دیدگاه آنان از دریچه سبک زندگی
به حوزه سیاست است. سبک زندگی سیاسی
رهبران جوامع بشری، بدلیل فراوانی تأثیرگذاریشان

بر رفتارهای مردم، اهمیتی ویژه دارد. بررسی سبک
زندگی سیاسی این افراد، زمانی به نتیجه خواهد
رسید که بتوان نوع ارتباط این سبک با مبانی نظری
مورد پذیرش آن رهبر را نیز بررسی کرد. در میان
نخبگان سیاسی و اجتماعی جوامع، زندگی امام
خمینی(ره)، برخوردار از فاخرترین سبکها در
ساحت زندگی سیاسی است (همو، ۱۳۹۹:
۲۳۳-۲۳۴). با این حال، ارائه نظاممند مبانی مؤثر در
این سبک، بعنوان گفتمانی بدیع و الگوساز در
دنیای سیاست، تاکنون مغفول مانده است. ازاینرو
با توجه به نیاز شدید جامعه بشری به سبک‌پذیری
از سبک زندگی سیاسی مبتنی بر مبانی
عقلی-الهیاتی، تحلیل مبانی حکمت متعالیه سبک
زندگی سیاسی در بررسی آثار شخصیت‌های اسلامی
همچون امام خمینی - در مقام شخصیتی
صاحب‌سبک و اثرگذار - ضرورتی انکارناپذیر
است. این پژوهش به بررسی تأثیر یکی از
مهمترین مبانی نظری مورد قبول امام بر سبک
زندگی سیاسی ایشان پرداخته است. با توجه به
گسترده‌گی مبانی حکمت متعالیه، تنها به بررسی
مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حاکم بر سبک
زندگی سیاسی امام خمینی پرداخته خواهد شد.

درباره این موضوع، مقالات ارزشمندی تألیف
شده که از میان آنها میتوان به مقاله «مبانی
هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»
تألیف اکبر عروتنی اشاره نمود که در آن به بررسی
موضوع عوالم هستی و نقش آن در اندیشه سیاسی
امام پرداخته شده است. با این حال، پژوهش حاضر
بر اساس تعریفی خاص از سبک زندگی

سیاسی، بدلیل پرداختن به مباحثی همچون (۱) طرح موضوع بررسی مبانی نظری حکمت صدرایی در سبک زندگی سیاسی، (۲) تحلیل این مبانی در منظومه فکری و عملی بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، (۳) بررسی آثار التزام امام به مبانی صدرایی در سبک زندگی سیاسی ایشان، (۴) طرح موضوع انسان کامل در سبک زندگی سیاسی و بتبع آن، ارائه روشی نو در طرح موضوع اثبات ولایت فقیه از مسیر موضوع سبک‌پذیری، (۵) طراحی و ارائه مفاهیمی جدید در علوم انسانی - همچون «سبک زندگی سیاسی انسان کامل»، «سبک زندگی سیاسی رهبران الهی» و «سبک زندگی پیروان رهبران الهی» بر اساس موضوع تأثیر اعتقاد به تشکیک در مظاهر وجود در سبک زندگی سیاسی - پژوهشی بدیع است.

در این راستا، با توجه به جایگاه مبانی حکمت متعالیه در سبک زندگی سیاسی، از یکسو و اهمیت شناخت و شناساندن سبک زندگی سیاسی امام خمینی، از سوی دیگر، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که مبانی حکمت متعالیه مورد التزام امام کدامند و این مبانی چگونه سبک زندگی سیاسی ایشان را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟ در پاسخ میتوان گفت منظومه فکری امام خمینی (ره) متأثر از حکمت متعالیه صدرایی است. در اصول مطرح در حکمت صدرایی، مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و نتایج آن در حکمت عملی، جایگاه و کارکردی مهم دارند. در واکاوی مبانی هستی‌شناسی، «تحلیل احکام وجود» و در بررسی مبانی انسان‌شناسی، تحلیل «نقش

انسان کامل در مراتب هستی»، در موضوع سبک زندگی سیاسی نقشی مبنایی و تعیین‌کننده دارند. ازاینرو به تبع این دو مبنا و تأثیر هر یک بر سبک زندگی سیاسی امام خمینی پرداخته خواهد شد. این تحقیق به روش کتابخانه‌یی است و با توصیف و تحلیل داده‌ها از آثار امام خمینی (ره) انجام میشود.

۱. مبانی هستی‌شناسی

در موضوع هستی‌شناسی، مهمترین محورهای تحلیل احکام وجود که عبارتند از «اصالت وجود و خیریت وجود»، «وحدت وجود و کثرت در مظاهر آن»، «بساطت وجود»، در راستای هدف مقاله، مطرح و تحلیل میشوند.

۱-۱. اصالت و خیریت وجود

بر اساس اصالت وجود، ماهیت و حدود چیزی غیر از شوائب و اوهام نیست و آنچه در حقیقت واقع است، وجود است و واقعیت هر شیء و آثار خارجی صادرشده از آن، ناشی از خصوصیات آن است که بیانگر نحوه وجود آن است (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۸۶، ۳۱۴؛ همان: ۳/ ۵۵۸). از آنجا که واجب‌الوجود، صرف‌الوجود است و محدود نیست و در نتیجه، ماهیتی ندارد، در عالم واقعیت بجز یک هویت صرف (مطلق)، هیچ متصلی نیست و همو حقیقت وجود و تنها موجود حقیقی در این عالم است (همان: ۱/ ۲۵۷؛ همان: ۲/ ۴۳، ۲۱۱). بدین ترتیب، هیچ موجودی در برابر وجود خداوند، اصالت ندارد و هرچه هست، از کمالات وجود اوست.

از لوازم اصالت وجود، خیریت وجود است

(ملاصدرا، ۱۳۸۳: ۳۹۵). هر موجودی خیر را انتخاب میکند و مشتاقانه بسوی آن روانه میشود (همان: ۳۹۶). وجود، منشأ همه کمالات (همچون علم، قدرت) است و هر قدر یک موجود از شدت وجودی بیشتری برخوردار باشد، بهمان میزان، خیر و کمال برتری دارد. از آنجاکه خیر نیز درجاتی دارد، هر موجودی که سهمی از خیریت داشته باشد، سعی میکند با حرکت بسمت خیر محض، سهم خود از وجود را ارتقا دهد و به کمالات بالاتری دست یابد. بهمین دلیل فرایند حرکت عالم هستی در مطالبه خیر مطلق نیز بنوبه خود، خیر است (خمینی، ۱۳۷۷: ۷۷، ۲۶۱؛ همو، ۱۳۷۱: ۱۸۴).

۲-۱. وحدت شخصی وجود و کثرت مظاهر آن
یکی از آثار اعتقاد به اصالت وجود، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است. «وجود بماهو وجود»، غیرمحدود و صرف‌الوجود است و صدور وجود محدود و صاحب ماهیت از صرف‌الوجود، محال است. بنابراین چون صرف‌الوجود با تمام بساطت و غیر محدودیت ظهور کرده است، تشکیک در مراتب وجود باطل است؛ چراکه محال است چیز متعین و محدود بما آنه محدود، از صرف‌الوجود غیرمتعین که در صراحت کمال غیرمحدود است، صادر شده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۸۷ / ۲). اما بر اساس وحدت شخصی وجود (وحدت تجلی و وحدت سعی)، تنوع در اشیاء عالم (کثرات) نیز موهوم نیست (همان: ۹۰ / ۱)؛ حقیقت وجود

(الله تعالی)، دارای دو مرتبه «ذات» و «مظاهر و ممکنات» است (همان: ۳۱۹ / ۲). حقیقت وجود در مرتبه ذات، سرچشمه همه کمالات و خیرات، بسیط و کامل از همه جهات، دارای همه اسماء و صفات و صرف وجود است و غیر وجود در او راه ندارد (خمینی، ۱۳۷۱: ۶۰۸-۶۰۷)؛ حقیقت وجود در مرتبه مجالی و ممکنات، تجلی ذات حق و محتاج به اوست (همو، ۱۳۸۶: مقدمه، ۱۲۸؛ همو، ۱۳۸۸الف: ۱۰۰).

بر اساس این اصل، مظاهر وجود قابل تشکیک و ذومراتبند و شدت و ضعف دارند و در موجودات عالم هستی، مرتبه بالا نسبت به مرتبه پایین، از شدت وجودی بیشتری برخوردار است (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲۰ / ۲). هر چه از حضرت غیب به دایره وجود پا نهاده، تمامی - در جایگاه و مرتبه خود - اسماء الهی، علامت خالق و مظهری از مظاهر پروردگارانند (خمینی، ۱۳۸۸ب: ۷۶).

۳-۱. بساطت وجود

حقیقت وجود در همه جهات بسیط است، چراکه ترکیب مستلزم امکان، فقر و تعلق به غیر و کثرت است (همو، ۱۳۷۱: ۶۱۱؛ همو، ۱۳۸۸ب: ۳۰؛ اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳۳۶ / ۱). مطلق وجود بدلیل بسیط بودن، دارای همه کمالات است (خمینی، ۱۳۷۱: ۶۰۸-۶۰۷). از میان همه موجودات فیض یافته از مطلق وجود، تنها انسان استعداد و شایستگی برخوردار از همه

کمالات و مظهریت برای خداوند و همه اسماء و صفات الهی را دارد. ظهور و بروز این کمال در وجود انسان بگونه‌یی است که می‌تواند او را به مقام خلافت الهی برساند. هرآنچه انسان برای نیل به این مقام نیاز دارد، در درون او جمع است؛ چنانکه در حدیث قدسی «خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِي؛ آدم را با دست خودم تخمیر کردم» (ابن‌ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵: ۹۸ / ۴) آمده است. با این‌حال، در آغاز خلقت، نفس انسان عاری از هرگونه فعلیت سعادت و شقاوت است و همچون آینه‌یی از حق یا باطل، نقشی ندارد. این نفس انسانی است که مستعد دریافت همه حقایق و نیل به همه مراتب کمالی و بروز و ظهور همه کمالات اسمائی و صفاتی خداوند، یا سقوط بسمت پستترین شقاوتهاست (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱ / ۲۹۹؛ همان: ۳ / ۴۸۱-۴۸۰؛ خمینی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۵). انسان می‌تواند با اقتدا به انبیا و اولیای الهی، روشی را برای کشف کمالات نهفته در باطن خود انتخاب کند و بدین طریق با رفع حجابها و تثبیت فضایل، مراتب کمالی وجود خود را محقق سازد.

۲. جایگاه انسان کامل در مراتب هستی

جایگاه خاص انسان کامل در حکمت متعالیه بدلیل آنست که برترین سیر وجودی انسان، متعلق به انسان کامل است و نفس او حاکم و والی بر سیر طبیعت و حرکت جوهری طبیعی است و بهمین دلیل دارای قدرت تصرف در حقایق طبیعی و تکوینی است (عباس‌زاده جهرمی، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

براساس آیه شریفه «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ؛ همانا بازگشت آنان بسوی ماست» (غایشه/ ۲۵)، غایت سیر انسانی وصول به درگاه الهی و فنای در ذات اوست، و ابتدا و انتهای سیر رجوع انسانها به حق، بر اساس حدیث شریف^۱ توسط انسان کامل است، زیرا وی، فانی مطلق و باقی به بقاءالله است و از خود، تعین و انیت و انانیتی ندارد، بلکه خود از اسماء حسنا و اسم اعظم الهی است (خمینی، ۱۳۸۸ الف: ۴۲-۴۳). تمام ذرات هستی از حیث تکوین و تشریح و از حیث وجودیافتن و هدایت‌شدن، ذیل ولایت و احاطه وجودی انسان کاملند و او واسطه فیض حق، رابطه بین حق و خلق، و خلیفه خداوند است (همو، ۱۳۷۲: ۱۳۷؛ همو، ۱۳۸۸ ب: ۱۴۷). ما در بررسی موضوع انسان‌شناسی، به جایگاه انسان کامل در هستی و نقش او در سبک زندگی سیاسی خواهیم پرداخت.

۳. تأثیر مبانی هستی‌شناسی بر سبک زندگی

سیاسی

سبک زندگی سیاسی متأثر از مبانی سازنده آن و بویژه مبانی هستی‌شناسی در حکمت متعالیه است که در ادامه به تأثیرات این مبنا بر سبک سیاسی امام خمینی (ره) می‌پردازیم. در این راستا، با توجه به تعریف سبک زندگی سیاسی به «شیوه خاص مواجهه با مهمترین وظایف ساحت زندگی سیاسی که...» به طرح عناوین حکمت‌صدرایی که خاستگاه استنتاج مهمترین وظایف در زندگی سیاسی است، می‌پردازیم؛ شیوه‌های

مواجهه با این وظایف که همان تأثیر آن مبانی در تحقق بایدها و نبایدهای در زندگی سیاسی امام است، سبک مد نظر ایشان را ترسیم میکند. این شیوه‌های مواجهه در قالب اقدامات و رفتارهای صورت‌گرفته در ادای آن وظایف و بصورت سیاستگذاری و تصمیمات کلان ایشان در دکترین به پیروزی رساندن انقلاب و رهبری آن بروز یافته است. این رفتارهای سیاسی حالت بنیادین و راهبردی برای سایر رفتارهای خرد و مقطعی دارد که در نهایت هندسه حاکم بر زندگی سیاسی امام را تصویر میکشد.

۱-۳. تأثیر اعتقاد به اصالت و خیریت وجود بر سبک زندگی سیاسی

بر اساس اصالت وجود، واجب‌الوجود عین و منشأ همه کمالات، از جمله علم، قدرت و فاعلیت است. در این صورت، هر قدرت و اراده‌یی اصالتاً از آن خداست؛ او محیط به تمام موجودات است و هیچ تدبیر و تأثیری غیر از او نیست (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۰۱-۳۰۰). یکی از مهمترین نتایج باور عینی به این اصل، آنست که تمامی قدرتهای مطرح تسلیحاتی و دیپلماتیک در ساحت سیاست، معلوم الهی هستند و در برابر قدرت و اراده الهی، ناتوانند. باور به این ذلت، نیروی محرکه معتنابهی در ادای وظایف زندگی سیاسی است؛ چنانکه از نظر امام، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در مقابل رژیم پهلوی و حفظ کشور و نظام در مقابل همه دشمنیها، بر پایه نهادینه شدن باور

به مقهور بودن اراده انسانی در برابر اراده الهی قوام یافته است (خمینی، ۱۳۸۵: ۶ / ۱۷۳؛ همان: ۸ / ۸۳، ۱۸۷؛ همان: ۱۰ / ۱۰؛ همان: ۱۳ / ۴۰۳). حفظ و توسعه این نگرش، رسالتی عظیم است که ضامن مصونیت، تعمیق و گسترش انقلاب اسلامی زیر بیرق توحید خواهد بود (همان: ۷ / ۶۱؛ همان: ۹ / ۱۴۴). امام در اینباره میگوید: «شما هیچ از این قدرتهای بزرگ نرسید که شما در پناه خدا هستید و قدرتها همه فانی هستند در مقابل قدرت خدای تبارک و تعالی» (همان: ۱۲ / ۳۰۵) تبلور این امر در شخصیت امام بگونه‌یی بود که با قسم جلاله میگوید: «اگر من خدای نخواسته، یکوقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا میکند که یک حرفی بزنم، میزنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیز نمیترسم بحمد الله تعالی. والله، تا حالا نترسیده‌ام» (همان: ۱ / ۲۹۳).

بر اساس اصل خیریت وجود، همه انسانها در پی رسیدن به خیر و حرکت بسوی وجود مطلق، با هم اشتراک دارند و از این حیث، سبک زندگی عموم انسانها سراسر خیر است. تفاوت در سبکها از زمانی آغاز میشود که گاه این خیر به کمال نهایی نمیرسد؛ چراکه تحقق و فعلیت برخی از کمالات وجود، مانع از وصول به برخی دیگر از کمالات است و باید در ظهور کمالات، تعادل برقرار شود. در سبک زندگی سیاسی امام، بر اساس همین مبنای هستی‌شناسی، سعی شده مسیر زندگی سیاسی بگونه‌یی طراحی شود که برخی از کمالات مزاحم ظهور کمالات مهمتر

دیگر و وصول به کمال واقعی انسانها، نشود. خیر و کمال واقعی در زندگی سیاسی جز در پیروی از شریعت نیست (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۴۲۵)؛ پیروی از شریعت به زندگی شرافتمندانه‌یی منجر میشود که مقدمه و مقتضی سعادت‌مندی آخرت است. از جمله مهمترین مصادیق حضور این مبنا در زندگی سیاسی امام، لزوم توجه توأمان به رفاه دنیا و سعادت آخرت در طراحی و مدیریت نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. خاستگاه این تعادل از آنجاست که هرچند آبادانی دنیا یکی از کمالات است، اما نباید مانع آبادانی آخرت و زندگی جاویدان اخروی انسان شود. بهمین دلیل، نظام سیاسی برخاسته از جامعیت و خاتمیت اسلام نیز نمیتواند برای وصول به رفاه دنیوی و نیل به سعادت و کمال اخروی، فاقد برنامه باشد (خمینی، ۱۳۸۵: ۲/۳۱، ۳۴۷؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۰).

این زندگانی، با درיوزگی در برابر هواهای نفسانی خود و سایر مخلوقات برای کسب رفاه و لذت دنیایی، قابل جمع نیست (همو، ۱۳۸۵: ۱۲/۴۰۴؛ همان: ۱۳/۳۰۸، ۴۶۳؛ همان: ۱۸/۱۳۲؛ همان: ۲۱/۴۳۳، ۴۴۰). از نمونه‌های عینی و کلان ابلاغ این سیاست میتوان به موضعگیری امام در دهم اسفند ۱۳۵۷ اشاره کرد که در آن با اشاره به ادعای سخنگوی دولت موقت - مبنی بر مجانی شدن آب و برق برای کم درآمدها - که از آن شائبه منحصر شدن ثمره نظام دینی به جلب رفاه و لذت مادی احساس میشد، فرمودند:

دلخوش نباشید که مسکن فقط میسازیم، آب و برق را مجانی میکنیم برای طبقه

مستمند، اتوبوس را مجانی میکنیم برای طبقه مستمند، دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت میدهیم؛ شما را به مقام انسانیت میرسانیم. اینها شما را منحط کردند؛ این قدر دنیا را پیش شما جلوه دادند که خیال کردید همه چیز این است. ما هم دنیا را آباد میکنیم و هم آخرت را (همان: ۲۷۳/۶).

بهمین دلیل در سیاستگذاریهای کلان نظام دینی باید ارزش ثروتهای مادی در راستای استقلال و آزادی جوامع و بمنظور جلوگیری از ستم به توده‌ها مورد توجه قرار بگیرد و از ارزشگذاری استقلالی به ثروت مادی اجتناب شود تا قدرت سیاسی و اقتصادی بعنوان ابزاری برای دفاع از حیثیت انسانی و جلوگیری از استثمار و استعمار آنها مورد توجه همگان باشد (همان: ۲/۳۴؛ همان: ۳/۵۱۱؛ همان: ۷/۷۰).

بدین ترتیب، بار دیگر ضرورت شکلگیری و استمرار نظامی اسلامی برای پیگیری این وظایف پیش کشیده میشود (همان: ۱۰/۲۴۱؛ همان: ۱۴/۴۸۴).

۲-۳. تأثیر اصل وحدت شخصی وجود بر سبک زندگی سیاسی

از دیدگاه امام خمینی، بر اساس وحدت شخصی وجود، اصل توحید منقح میشود (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳/۵۵۳). با اعتقاد به خدایی که خالق و مبدأ هستی و منشأ خیر و رحمت

مطلق دانسته میشود، مقدسترین هدف، کوشش در راستای تحقق عملی مکتب توحید است (خمینی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۷۵؛ همان: ۲۱/ ۴۴۹).
مقدمه رسیدن به این مهم در ساحت زندگی سیاسی، تحقق عینی احکام و ضوابط توحیدی در عینیت زندگی بشر، در حد میسر است (همان: ۷۷). از آنجاکه رسیدن به این هدف جز با رفع موانع تحقق برپایی و بسط حاکمیت عدالت و حکومت اسلامی محقق نمیشود، آرمان مبارزه با طاغوتها و تلاش برای نابودی مستکبرین بعنوان یکی از مهمترین اصول اولی توحید، هدف متوسط زندگی سیاسی قلمداد میگردد (همان: ۳/ ۳۷۲؛ همان: ۷/ ۵۳۱؛ همان: ۲۱/ ۳۱۶). نیل به این هدف متوسط، درگرو هدف مهم ولی نازلتری طراحی و تأسیس میشود، چراکه رویارویی با منکران توحید و بسط جامعه توحیدی، منوط به تأسیس نظامی تشکیلاتی در شکل برپایی حکومت دینی است (همان: ۸/ ۴۲). سلسله مراتب این اهداف، خاستگاه حیازت وظایف و رفتارهای متعدد متناظر با آن میگردد تا سبک زندگی سیاسی بر اساس شیوه‌های مواجهه آن وظایف و این رفتارها، پایه‌ریزی شود.

در وحدت وجود، ذات و قوای ظاهری و باطنی همه مراتب هستی، از شئون تجلی جمال و جلال حق و مراتب تجلیات ربوبی شمرده میشوند. ثمره تحقق این بینش در زندگی سیاسی، التزام به وابسته دانستن خود به خدا بمثابه جزئی کوچک از عالم هستی، و نیاز به

عنايت و لطف الهی در تمام دوران زندگی سیاسی است (همان: ۳/ ۲۳۲؛ همان: ۷/ ۱۵۱؛ همان: ۱۶/ ۵۱۱).

عشق به هستی، از جمله انسانها، از دیگر نتایج باور به اصل وحدت است. از ثمرات این عشق در زندگی سیاسی میتوان به موارد ذیل اشاره کرد: تلاش در مسیر اعتلای کلمه‌الله در راستای ادای وظیفه ظلم‌ستیزی (همان: ۲۰/ ۳۸)، خدمت به کوخ‌نشینان (همان: ۳۴۲)، رفع تبعیض بین افراد جامعه در عمل به قوانین (همان: ۵/ ۴۰۹؛ همان: ۸/ ۱۳۳؛ همان: ۹/ ۴۹)، برابری مردم و مسئولان در مقابل اجرای قانون (همان: ۵/ ۳۸۸؛ همان: ۱۳/ ۱۳۴؛ همان: ۱۴/ ۲۲۹)، احساس مسئولیت در برابر آبادانی دنیا و آخرت انسانهای مسلمان و حتی غیرمسلمان (همان: ۸/ ۲۶۳؛ همان: ۱۰/ ۲۴۱؛ همان: ۲۱/ ۴۰۳-۴۰۲).

۳-۳. تأثیر اعتقاد به بساطت وجود بر سبک

زندگی سیاسی

از منظر امام - بر اساس روایتی از حضرت عیسی (ع) ۲- ملاک انسانیت، «ولادت دومین» یا «ولادت ملکوتی» است که بواسطه آگاهی و عزم برای حرکت بسوی هدف آفرینش خویش، حاصل میشود؛ بدین ترتیب که حقیقت انسان در ولادت اول، حیوان محض است که زیر نظر «شریعت حیوانات»، یعنی شهوت، غضب و شیطنت، اداره میشود و در ولادت دومش، میتواند به مقام عقل انسانی نایل گردد

(همان: ۱۵ / ۲۶۵؛ همو، ۱۳۷۱: ۱۶۹-۱۶۸، ۲۳۷). در این ولادت، انسان باید مقام خلافت کبرای احمدیه را به باطن قلب و روح خود برساند و بواسطه آن، کشف حجاب کند و از حجاب تعینات خلقی خارج شود تا به مقصد نهایی خود دست یابد (همو، ۱۳۷۲: ۱۴۰). با پذیرش تعالیم انبیا و اولیا (علیهم السلام)، قوه عقلانی انسانی فعلیت و ظهور پیدا میکند و بر تمام شئون و قوای دیگر چیره میگردد (همو، ۱۳۷۱: ۲۰۰-۱۶۸؛ همو، ۱۳۸۵: ۸ / ۴۱۴-۴۱۳). تفاوت انبیا و اولیای الهی با سایرین در اینست که تمام اسماء الهیه در آنها فعلیت یافته، ولی سایرین تنها از قوه‌یی برخوردارند که مظاهر اسماء الهی بتواند در آنها فعلیت پیدا کند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۳ / ۴۸-۴۷).

بر مبنای حرکت جوهری نفس انسانی و نامحدود بودن وجود انسان از حیث ظهور کمالات، سبک زندگی انسانی نیز در حال شدن و سیورورت است؛ اگر انسان در سمت فضایل انسانیت کامل یابد، سبک زندگی وی نیز بدان سوی تعالی می‌یابد و اگر در جهت رذائل انسانی سقوط کند، سبک زندگی نیز منحط خواهد شد. امام سیاستی را منتهی به کشف کمالات میدانند که با هدف تهذیب نفسانی جوامع بشری اعمال شود (خمینی، ۱۳۸۵: ۶ / ۴۶۷). بهمین دلیل، لزوم تهذیب نفس در مواجهه با شیاطین درونی و بیرونی، ابعادی مهم از سبک زندگی سیاسی را رقم میزند. در منظر امام، بلوک‌بندیهای موجود در

عرصه جهانی ناشی از طغیانی است که ریشه در حجاب خودخواهی نفس انسان دارد. بهمین دلیل، ملت‌های مسلمان و مسئولان دولتهای آنان باید با تزکیه نفس، زندگی سیاسی خویش را بر اساس ظلم نمودن و ظلم نپذیرفتن^۳ هدف‌گذاری نمایند (همان: ۱۸ / ۴۹۹). اداره ملت‌ها توسط انسانهای تزکیه نشده، عامل تمام مشکلات داخلی و خارجی آن ملت‌ها و منشأ همه اختلاف‌ها و ریشه همه جنگ‌ها، مصیبت‌ها و بلاهایی است که ملت‌ها به آن گرفتار میشوند؛ بنابراین سعادت دولتها بدون تهذیب نفس رهبران آن جوامع، امکانپذیر نیست. بدین شکل، رسالت ارشاد و اصلاح حاکمان جهان بعنوان یکی از مهمترین وظایف زندگی سیاسی، در ضمن دعوت آنها به مبارزه با هواهای نفسانی خویش و همچنین ارائه الگوی عملی حکومت اسلامی به آنها، شکل میگیرد (همان: ۶ / ۳۳۹؛ همان: ۹ / ۱۳۷-۱۳۴؛ همان: ۱۴ / ۳۹۰؛ همو، ۱۳۸۸ الف: ۱۲۰). امام خودسازی را نخستین قدم مبارزه با موانع وصول به کمال واقعی انسانها میداند که مقدم بر همه جهادها و شاخص الهی شدن و الهی باقی ماندن جهاد بیرونی است (همو، ۱۳۸۵: ۶ / ۳۳۰؛ همان: ۸ / ۲۸۴؛ همان: ۱۳ / ۴۸۹؛ همان: ۱۴ / ۲۴۴؛ همان: ۱۵ / ۴۹۱؛ همو، ۱۳۸۸ الف: ۱۲۳).

مؤلفه‌هایی نظیر آزادی، اختیار، تصمیم و انتخاب انسان در مواقف گوناگون زندگی، نقشی اساسی در سبک زندگی سیاسی ایفا میکنند. هر چقدر نفس انسانی در سبک زندگی حاصل از

ولادت دومین، خود را از تعلقات مادی و خواسته‌های شهوی و غضبی رها کند، با فراهم آمدن شدت وجودی و بتبع آن، تشدید قدرت اختیار و انتخاب، میتوان به گستره وسیعتری از بایدها و نبایدهای حاصل از مبانی نظری الهی، جامعه عمل پوشاند. افزون بر این، با گسترش قلمرو اراده و اختیار، قدرت تحصیل مراحل و مراتب والاتری از مسائل و موضوعات مطروحه در عرصه سیاست الهی - همچون حکومت، عدالت، امنیت، استقلال و آزادی - پدیدار میگردد. از سوی دیگر، با تحقق عینی این امور در زندگی سیاسی، بار دیگر بر شدت استکمال وجودی ساحت اشخاص افزوده میشود. این هم‌افزایی تا بدانجاست که برای تکمیل، تعالی و ترقی جامعه انسانی، بلندترین گامهای سیاسی و اجتماعی برداشته شود و نیل به مقدسترین آرمانها محقق گردد.

۳-۴. تأثیر اعتقاد به تشکیک در مظاهر وجود بر

سبک زندگی سیاسی

نقش ویژه و مبنایی تشکیک در مظاهر وجود، در شاخصترین موجود فیض‌یافته از مطلق وجود، یعنی انسان، در ضمن تشکیک در مراتب نفسانی انسانها مطرح میشود. تشکیک در مراتب نفسانی انسانها خود ناظر به تحقق «مراتب مختلف سبک زندگی سیاسی» است؛ نفس ناطقه بعنوان مناط انسانیت و نیز لب وجود انسان، یک حقیقت دارای مراتب است و با حرکت جوهری بسمت کمال مرتبه‌یی را بعد از مرتبه دیگر، طی میکند

(همو، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۹۲؛ همان: ۳/ ۳۰۲؛ همو، ۱۳۷۱: ۵) در انسان علاوه بر وجود قابلیت کسب همه کمالات صفات و اسماء کمالی الهی و تخلق به آنها، امکان فعلیت آن نیز وجود دارد، چراکه قابلیت بدون فعلیت، لغو است و کار لغو در فعل باری تعالی جایی ندارد. بنابراین بتبع تشکیک در مراتب نفس و تفاوت در فضایل انسانی، سبکها نیز بلحاظ نوع محتوای خویش، در یک مرتبه و منزلت واحد نیستند و بتعبیری، تشکیکی هستند؛ هرچقدر منزلت یک سبک بلحاظ ارائه اندیشه‌های ناب و توجه به عواطف انسانی رفیع باشد، بر عمق اثرپذیری از آن سبک و نیز بر میزان وفاداری و تعداد سبک‌پذیران از آن سبک، افزوده میشود (Wilksa, 2002: p. 208).

برتری سبک به مواردی همچون حقانیت و علو عناصر و عوامل سازنده آن، تناسب با فطرت انسانی، توجه به همه ابعاد وجودی انسان و همه عرصه‌های حیات او بستگی دارد. پس سبکهای فاخر مخصوص فرهیختگان جوامع است که گاه با نام بارزترین سبک زندگی و در برابر سبکهای کمتر مشخص، توده‌یی یا حاشیه‌یی، از آن نام برده میشود (Ibid). بر همین اساس، از آنجاییکه هیچیک از عوامل تعیین‌بخش و تأثیرگذار در سبک زندگی پایان‌پذیر نیست و اصل وجود و تعیات وجود انسان همواره در حال اشتداد هستند، زندگی انسانها نیز - بسته به نوع سبک حاکم بر آن - میتواند پیوسته در حال استکمال باشد. بهمین دلیل، در نظر امام، انسان فطرتاً قابلیت تغییر

تدریجی و ذومراتبی (طبیعی، نفسانی، عقلانی و الهی) را دارد و با تلاش برای حرکت در مسیر تکامل و در راستای سبک زندگی معصومانه، میتواند متصف به همه اوصاف و اخلاق الهی گردد.

۴. نقش انسان کامل در سبک زندگی سیاسی

زندگی سیاسی انسان کامل، صراط مستقیم و مصداق زندگی الهی و معصومانه است. این نوع زندگی بالاصاله مختص ذات مقدس نبی مکرم اسلام است و برای دیگر اولیا و انبیا، بالتبع ثابت است و سایر زندگیها در یکی از دو طرف افراط و تفریطند (خمینی، ۱۳۸۸: ب: ۲۸۹، ۲۹۳). مظاهر وجود هر کدام بحکم مظهر بودن، حکم ویژه‌ی دارد؛ پس مظاهر جمالی و جلالی وجود هر کدام در حکم خود، اثری خاص دارند. برقراری تعادل میان مظاهر جلال و جمال الهی در جهان هستی بدست انسان کامل محقق میشود.

انسان کامل در سیر بسوی خداوند، چهار «سفر» را طی میکند و در سفر چهارم که «سفر از خلق به خلق با حق» است، صلاحیت دستگیری از خلائق نصیبش میشود و از آنچه بندگان را بدان سوی خدا میکشاند یا مانع حرکت بسمت او میشود، آگاه میگردد (همو، ۱۳۸۶: ۸۷-۹۰؛ همو، ۱۳۷۲: ۲۲). چنین شخصی صلاحیت تشکیل مدینه فاضله استوار بر حق و حقیقت را دارد و شأن و وظیفه اوست که در جمیع شئون اجتماع بشری مداخله کند

(آشتیانی، ۱۳۷۰: ۶۶۸). در خلافت ظاهری، علاوه بر اینکه شخص از خلافت معنوی برخوردار است، با کسب حاکمیت و سلطنت ظاهری، موظف به اجرای اوامر و نواهی الهی در ضمن مدیریت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زندگی بشر میگردد. بدین لحاظ، معصومین (علیهم‌السلام) در سفر چهارم خویش، مأمور هدایت و خدمت به مردم میشوند و میتوانند مشکلات اجتماعی را حل کنند، چراکه دستگیری حداکثری از مردم، در تصدی مدیریت اجتماعی و سیاسی جامعه و در ضمن تبیین و اجرای قوانین الهی و برپایی عدالت، تبلور می‌یابد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۱۴۵؛ خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۲۱۱-۲۱۰).

بهمین دلیل، از منظر امام برای تثبیت عدالت اجتماعی، بسط آزادی و کنترل تمایلات طبیعی انسان، نیاز به هدایت انسان کامل است که لازمه آن برقراری جامعه توحیدی و نظام سیاسی مبتنی بر دین است (عنوانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵). مواهب این جامعه توحیدی در عصر غیبت، بر اساس لطف الهی بر بندگان باید استمرار داشته باشد و بر اساس تشکیک در مظاهر و مراتب وجود بشری و نیز مراتب ولایت الهی در جامعه ایمانی تداوم یابد.

بر همین اساس، با توجه به تأثیر فلسفه وجودی تکامل بشر بر اساس وجود انسان کامل و رهبری او در زندگی بشر، علاوه بر سبک زندگی سیاسی انسان کامل، سبک زندگی سیاسی رهبران الهی سبک‌پذیر از سبک انسان کامل، و

سبک زندگی مردمی سبک‌پذیر از سبک زندگی سیاسی رهبران الهی که بترتیب بطور مستقیم و غیرمستقیم متأثر از حضور انسان کامل در چرخه هستی هستند، نایل میشویم. در ادامه به توضیح این مراتب میپردازیم.

۱-۴. سبک زندگی سیاسی رهبران الهی

با توجه به اهداف و وظایف سیاسی انسان کامل، ضرورت حضور او همیشگی است و پس از انبیا نیز تا حد امکان، باید فواید حضور آنها فراهم گردد. مرتبه دوم از تثبیت سبک زندگی سیاسی، از آن رهبران الهی جوامع بشری است که با سبک‌پذیری از انسان کامل، در هدایت انسانها میکوشند. پس از مقام انسان کامل، همانگونه که مفهوم ولایت دارای مراتب است (خمینی، بی تا: ۳۹-۴۱)، انسان متکامل در پرتو هدایت و تربیت انسان کامل نیز از این مراتب برخوردار است و هر یک بهمان اندازه‌یی که کمالات و ویژگیهای نیک را تحصیل کرده باشد، بر افراد دیگر ولایت می‌یابد. سالک خودساخته نیز پس از طی مراحل چهارگانه سفر تکامل عرفانی و کنار زدن حجابها، به مقامی در طول مقام انسان کامل میرسد و در این مرحله در مسیر ادای دو رسالت هدایت عقیدتی و تدبیر اجتماعی - سیاسی خویش با دستگیری از خلق و هدایت آنها بسوی سعادت دوجاهانی، به مرحله چهارم کمال نهایی خود واصل میگردد (همو، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸؛ همو، ۱۳۸۵: ۱۸/۲۰۶).

ازاینرو با توسعه در قلمرو ولایت ظاهری در زمان غیبت، و بهره‌گیری از ولایت باطنی

امام عصر(عج)، اقدام سیاسی این رهبران برای تحقق آرمانهای خلافت الهی ضرورت می‌یابد (جلالی، ۱۳۷۸). بدین ترتیب، انسان متکامل در مقام ولایت سیاسی-اجتماعی، نمودی از انسان کامل خواهد بود که بر اساس اقتضائات زمان و ظرفیتهای وجودی خویش، آن ولایت را اظهار میکند و به رهبری خلق میپردازد (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰/۱۱۶-۱۱۳).

امام خمینی بعنوان یکی از نزدیکترین افراد به معصومین (علیهم‌السلام)، سه سفر اول را ابتدا بعنوان جهاد اکبر در درون خود به کمال رساند و در سفر چهارم، انقلابی را آفرید و آن را تنها راه سعادت و صلاح جوامع معرفی کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۵ الف: ۸۹؛ همو، ۱۳۸۱: ۱۴۶). او سرسپردگی به آستان ولایت پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را الگوی علمی و عملی زندگی سیاسی معرفی میکند (خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱/۳۹۶-۳۹۷). برای وی والاترین وظیفه در زندگی سیاسی، کوشش در راستای تحقق عملی مکتب توحید در جوامع بشری است (همان: ۱/۲۷۵؛ همان: ۲۱/۴۴۹). امام این راه را با استقامت و ایستادگی حتی در سختترین شرایط غربت و طرد شدن از همه کشورهای، ادامه داد. استاد جوادی آملی در ضمن نقل خاطره‌یی از امام، میگوید:

اصرار کردند باید از عراق بیرون بروم، موافقت کردند کویت بروم، فرمود: بسیار خوب. تا مرز کویت آمد، او را راه ندادند. فرمود: بسیار خوب. حتی حاضر

نشندند ایشان را در فرودگاه کویت بعنوان میهمان چند لحظه‌یی بپذیرند. فرمود: «از فرودگاه به فرودگاه میروم یا از کشتی به کشتی میروم، حرفم را میزنم» (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ب: ۲۰).

در این مسیر، امام همگان را به شناخت سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(علیهم السلام) و تاسی به ایشان در تلاش برای برقراری عدالت دعوت میکند (خمینی، ۱۳۸۵: ۳/ ۳۲، ۲۲۷، ۳۴۶، ۳۵۸). از منظر وی، مقدمه رسیدن به این مهم، اجرایی نمودن احکام و ضوابط توحیدی در عینیت زندگی بشر، در حد امکان است (همان: ۷۷/ ۲۱). از آنجاکه رسیدن به این هدف، جز با نبرد با طاغوتها و مستکبرین ممکن نیست، رسالت نابودی آنها بعنوان یکی از مهمترین وظایف زندگی سیاسی، مدنظر قرار میگیرد (همان: ۳/ ۳۷۲؛ همان: ۷/ ۵۳۱؛ همان: ۲۱/ ۳۱۶). راهکار امام در ادای این رسالت، اصرار بر بایستگی استمرار اجرای احکام الهی و اختصاص نداشتن آن به عصر حضور انسان کامل در سایه تشکیل حکومت و اجرای احکام و برقراری نظامات اسلامی بوسیله اعمال ولایت فقیه است (همو، ۱۳۸۱: ۲۵-۳۷). علاوه بر جهان اسلام، امام با اعمال ولایت خویش، ملت‌های آزاده جهان را با الهام گرفتن از تعالیم انبیای الهی به قیام در مقابل ظلم و کفر و برقراری عدالت حداکثری دعوت میکند (همو، ۱۳۸۵: ۱۱/ ۳۲۲؛ همان: ۱۸/ ۸۷؛ همان: ۲۰/ ۸۹، ۳۱۶).

۲-۴. سبک زندگی سبک‌پذیران از سبک زندگی رهبران الهی

بر اساس تشکیک در مظاهر وجود، سبک‌های زندگی نیز از انسان کامل آغاز میشود تا به مراتب مادون برسد. بر این اساس، جریان سبک‌سازی رهبران الهی نیز اشتداد وجودی یا تکامل و ارتقا را برای مردم سبک‌پذیر بر حسب فطرت و تربیت آنان- به‌ارمغان می‌آورد. برغم لزوم تحقق آرمان‌های الهی در زندگی سیاسی رهبران الهی، مسیر زندگی سیاسی برخی انسانها بر محور سیاست اینجهانی و شیطانی می‌چرخد (همان: ۱۳/ ۴۳۲-۴۳۱). از اینرو با طرد، نفی و گاه مبارزه با سبک زندگی رهبران مروج مکتب انسان‌های کامل توسط این افراد، بار دیگر همچون زمان انبیا، دو جبهه حق و باطل شکل می‌گیرد (موسوی و ایمانی، ۱۳۸۴: ۱۳۲). سبک زندگی سیاسی رهبران سیاسی برای هدایت جبهه حق، صرفاً با سبک‌پذیری مخاطبان و پیروان صاحب‌سبک در هنگامه اجرای محتوای آن، تحقق می‌یابد. بتعبیر دیگر، بدون سبک‌پذیری توده‌های مردم، در واقع سبکی برای رهبران نیز تجلی عینی نخواهد یافت. سبک زندگی سیاسی سبک‌پذیران از رهبران الهی در یاری رسانیدن به رهبران خویش، در ممانعت از تداوم حکومت‌های ضددینی یا غیردینی و کنار زدن سلاطین فاسق از مدیریت زندگی بشر در سراسر دنیا، تحقق واقعی و بیرونی پیدا میکند (خمینی، ۱۳۸۵: ۴/ ۴۶۱؛ همان: ۵/ ۴۵۸؛ همو، ۱۳۸۱: ۳۶-۳۵).

امام خمینی در طول زندگی سیاسی خود برای فراهم نمودن شرایط وصول و تخلق به زندگی سیاسی انسان کامل، سبک‌پذیری از رهبران سبک‌پذیر از انسان کامل را در راستای اقامه عدالت برای همه بشریت، از بزرگترین واجبات و والاترین عبادات معرفی میکند (همو، ۱۳۸۵: ۹/ ۲۲۴-۲۲۵؛ همان: ۱۹/ ۱۳۴-۱۳۵؛ همان: ۲۱/ ۴۰۷). او توانست توده‌هایی عظیم از مردم را با خود همراه سازد، چراکه رسیدن به یک انقلاب دینی همه‌جانبه با پی‌ریزی و تثبیت سبکی جدید از زندگی سیاسی که مردم آن را بپذیرند و اجرایی نمایند، امکان‌پذیر است. راهکار عملی امام در این موضوع، ایده «تشکیل نظام جهانی یا نفی حاکمیت استعماری» بود. او این حقیقت را چنین تشریح میکند: «مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان بنفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم میشود» (همان: ۸۳).

اساس نظریه «ضرورت یک نظام جدید جهانی» که با ترغیب دولتهای اسلامی به تشکیل کشورهای متحد اسلامی و با عنوان «حکومت مستضعفین و محرومان» مطرح میشد، بر اساس تکریم انسانهاست (همان: ۱۷/ ۲۵۹؛ همان: ۱۵/ ۱۷۱). از اینرو امام میفرماید:

انشاءالله خداوند قدرت شکستن چارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید و همه را از

افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید (همان: ۲۱/ ۸۳).

در این راستا و در مسیر تحقق ولایت رهبر الهی، مردم در یک جامعه توحیدی نیز باید در خدمت تعالیم انسان کامل قرار گیرند و همه بمنزله اعضای او شوند (همان: ۱۲/ ۳۵۱). در سبک زندگی سیاسی امام، تلاش برای رشد مرحله‌به‌مرحله مردم از سطوح ابتدایی تا سطوح عالی و تمهید مقدمات وصول پلکانی به پذیرش سبک زندگی سیاسی انسان کامل، بوضوح دیده میشود؛ چنانکه ایشان در معرفی رمز پیروزی بر دشمنان میگوید: «شما موظفید خود را بسازید، انسان کامل شوید و در مقابل نقشه‌های شوم دشمنان اسلام، ایستادگی کنید» (همو، ۱۳۸۷: ۶۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از آنجاکه تشکیل و رهبری نظام اسلامی در عصر غیبت، ثمره سبک زندگی سیاسی امام خمینی بوده، داده‌های این تحقیق نشان میدهد که التزام به مبانی حکمت متعالیه در شکلگیری و تثبیت سبک زندگی سیاسی ایشان نقش بسیار چشمگیری داشته است. در منظر امام، ثمره اعتقاد به اصل اصالت وجود در باور عینی به عجز قدرتهای تسلیحاتی و دیپلماتیک در برابر مشیت الهی، بمثابه نیروی محرکه معتناهی در ادای وظایف زندگی سیاسی، بروز میکند. اعتقاد به توحید بعنوان اصل متفرع از اصالت وجود، شالوده انقلاب اسلامی و محتوای شئون زندگی جامعه را

شکل می‌دهد. بر اساس اصل وحدت وجود، احساس تکلیف در برابر همه انسانها و لزوم هدایت و دستگیری از آنها در همه ساختهای زندگی، بویژه عرصه سیاست، شکل می‌گیرد. با توجه به تشکیک در مراتب سبک، مراتب سبک زندگی سیاسی در سه مرتبه «سبک زندگی سیاسی انسان کامل»، «سبک زندگی سیاسی رهبران الهی سبک‌پذیر از انسان کامل» و «سبک زندگی مردمی سبک‌پذیر از سبک زندگی سیاسی رهبران الهی» تبلور می‌یابد. امام در طول زندگی سیاسی خود، در مقام شخصیتی تربیت‌یافته از حقیقت انسان کامل، با اصرار بر فراهم ساختن شرایط وصول مردم به سبک‌پذیری از انسان کامل توانست توده‌هایی عظیم از مردم را برای رسیدن به یک انقلاب دینی همه‌جانبه و پی‌ریزی و تثبیت یک سبک الهی متأثر از کارکرد وجود انسان کامل در زندگی سیاسی، با خود همراه کند و بدین ترتیب اشتداد وجودی یا تکامل و ارتقا را برای آن مردم به‌ارمغان آورد. در این سبک زندگی سیاسی، امام میکوشید مسیر زندگی سیاسی را بگونه‌ی طراحی و اجرا کند که برخی از کمالات، مزاحم ظهور کمالات مهمتر دیگر و وصول به کمال واقعی انسانها نشود، بلکه به کشف و انکشاف کمالات وجودی پنهان انسانها منجر گردد.

در این پژوهش تقریری جدید از چگونگی طرح نظریه ولایت مطلقه فقیه بر اساس تغییر سبک زندگی سیاسی پیروان رهبران الهی ارائه شد که میتواند مورد توجه پژوهشگران علوم سیاسی و جامعه‌شناسی واقع شود و بسط و

تفصیل یابد. آنچه میتوان از آثار قطعی این پژوهش دانست اینست که امام خمینی با ارائه سبک زندگی سیاسی مبتنی بر حکمت صدرایی، فاخرترین نسخه ممانعت از چیرگی نظام سلطه بر جوامع بشری را عملیاتی نمود.

پی‌نوشتها

۱. «لا اِیَابُ الْخَلْقِ الْاَیْکُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَیْکُمْ؛ بازگشت آفریدگان بسوی شما و حسابرسی آنان با شماست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۸-۲۷).
۲. «لَنْ یَلِجَ مَلْکُوتَ السَّمَاءِ مَنْ لَمْ یُوَلِّدْ مَرَّتَیْنِ؛ کسی که دوبار به دنیا نیامده باشد، در ملکوت آسمان سیر نمیکند» (ملاصدرا، ۱۳۸۴: ۳۲۵؛ همو، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۲).
۳. امام به آیه ۲۷۹ سوره بقره - «لَا تَطْلُمُونَ وَ لَا تُظَلَّمُونَ؛ به کسی ستم نکرده‌اید و ستم ندیده‌اید» استناد میکند (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴/ ۸۱).

منابع

قرآن کریم.

- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۰) شرح مقدمه قیصری، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن‌زین‌الدین (۱۴۰۵ق) عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن‌بابویه، محمد بن‌علی (۱۳۷۸) عیون أخبار الرضا علیه السلام تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- اردبیلی، سیدعبدالغنی (۱۳۸۱) تقریرات فلسفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

بشیریه، حسین (۱۳۸۲) عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نگاه معاصر.

جلالی، غلامرضا (۱۳۷۸) «نظریه انسان کامل از عرفان ابن عربی تا عرفان امام خمینی»، حوزه، شماره ۹۴ و ۹۵.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵ الف) بنیان مرصوص، قم: اسراء.

----- (۱۳۷۵ ب) «تأثیر نهضت کربلا در انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (س)»، مقالات ششمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۱) «اسفار اربعه از دیدگاه عرفا و حکما»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتألهین، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱) «تمدن نوین اسلامی»، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری؛ <https://khl.ink/f/21246>.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۱) شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۷۲) آداب الصلوة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۷۷) شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۷۹) الطلب و الارادة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۱) ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۵) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۶) مصباح الهدایة الى الخلافة و

الولاية، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۷) جهاد اکبر، تهران: مؤسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۸ الف) تفسیر سوره حمد، تهران:

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (۱۳۸۸ ب) شرح دعاء السحر (ترجمه

فارسی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

----- (بی تا) تعلیقات علی شرح فصوص

الحکم و مصباح الأنس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

عباس‌زاده جهرمی، محمد (۱۳۹۴) «پیامدهای حرکت جوهری نفس»، اندیشه نوین دینی، شماره ۴۳، ص ۹۵-۱۱۰.

علاسوند، فریبا (۱۳۹۲) «هنجارشناسی سبک زندگی دینی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره پنجم، شماره ۱، ص ۶۲-۴۵.

عنوانی، سیدحامد و همکاران (۱۳۹۶) «رویکرد سیستمی در تعریف سبک زندگی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۳۳، ص ۱۰۰-۸۱.

----- (۱۳۹۹) «بررسی امکان و ضرورت سبک

زندگی سیاسی امام خمینی (ره)»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۸۲، ص ۲۳۸-۲۱۹.

----- (۱۴۰۰) «مبانی گرایشی و نقش آن در

سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره)»، پژوهشهای انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، ص ۲۷-۷.

معافی، مهدی (۱۳۹۲) «تحویل انسان به شهروند»، سوره اندیشه، شماره ۷۰ و ۷۱، ص ۱۶-۱۴.

ملاصدرا (۱۳۸۲) الشواهد الربوبية فی المناهج

نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
موسوی، سیدصدرالدین؛ ایمانی، علی (۱۳۸۴)
«رویکرد فلسفی در اندیشه سیاست خارجی امام
خمینی»، متین، شماره ۲۶، ص ۱۵۶-۱۳۱.

Ansbacher, H. L. (1967). Life style: a historical and systematic review. *Journal of individual psychology*, vol. 23, no. 2, pp. 191-212.

Wilska, T. A. (2002). Me—a consumer? Consumption, identities and lifestyles in today's Finland. *Acta Sociologica*, vol. 45, no. 3, pp. 195-210.

السلوکية، تصحيح و تحقيق سيدمصطفى محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۳) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة ج ۱، تصحيح و تحقيق غلامرضا اعوانی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۴) شرح أصول الكافي (باب العقل و الجهل)، تصحيح و تحقيق رضا استادی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

----- (۱۳۸۶) مفاتيح الغيب، تصحيح و تحقيق